



بررسی میزان اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه‌ی واقعیت‌درمانی بر بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری هویت اسلامی دانش‌آموزان دختر پیش‌دبستانی و دبستانی اردبیل

داود شفیقی، عین‌اله یوسفی‌سادات، حجت‌قربانی، زهرا قلی‌پور

معلم مدرسه قدس گلشن، شهرستان نمین، استان اردبیل

davood_shafiqi@yahoo.com, golipoor_zahra@yahoo.com, hojatghorbani53@gmail.com

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی بر بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری هویت اسلامی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دبستانی و دبستانی می‌باشد. هویت یک سازه و ساختار روانی-اجتماعی است که در طول زندگی فرد شکل می‌گیرد و شامل برداشت فرد از خود و ارزش‌هایی است که از جانب دیگران دریافت می‌کند. بحران هویت در صورتی اتفاق می‌افتد که فرد در برداشت از خویش تصمیم‌گیری و در روابط با دیگران دچار اشکال شود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پیش‌دبستانی و دبستانی شهر اردبیل مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری 200 نفر دانش‌آموزان کلاس پیش‌دبستانی تا ششم است که در سال تحصیلی 96-97 به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. آزمون بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری بر روی آن‌ها اجرا گردید سپس از میان این افراد 30 نفر را که بالاترین نمره را در آزمون بحران هویت کسب نمودند به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند (15 نفر در گروه آزمایش و 15 نفر در گروه کنترل) و گروه آزمایش طی 7 جلسه 60 دقیقه‌ای در جلسات آموزشی شرکت نمودند. ابزار پژوهش پرسشنامه هویت‌یابی 30 سؤالی و پرسشنامه جمعیت‌شناختی بود فرضیه تحقیق این بود که آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد نتایج تحلیل t وابسته نشان داد که افراد گروه آزمایش میانگین بحران هویت آن‌ها پس از آموزش کاهش یافته است و این تفاوت در سطح 0/005 معنادار می‌باشد. ($p < 0/005$)

واژگان کلیدی: هویت اسلامی، بحران هویت، شکل‌گیری و اختلال هویت، مسولیت‌پذیری.



مقدمه:

هویت انسان یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های هر کس در زندگی است. این روند عبور از بحران هویت تمام انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود حداقل یک‌بار تجربه می‌کنند. فرایند عبور از بحران هویت بعد از سن بلوغ عقلی و شرعی شروع می‌شود. سؤال اصلی و کلیدی چگونگی هویت‌پذیری و نحوه عبور از این مرحله سخت و سرنوشت‌ساز است. هویت فردی افراد در این فرایند اگر بر اساس عقل، فطرت و دین شکل گیرد. شخص موردنظر را به‌طور نسبی تا آخر عمر بیمه کرده و در صورت حفظ این هویت و مراقبت از آن می‌توان گفت حسن عاقبت و حیات طیبه برای او به ارمغان می‌آید و در نتیجه هویت اجتماعی و ملی و سعادت دنیا و آخرت را برای فرد، جامعه و هر ملتی رقم می‌زند. (عطائی، 1385)

یکی از مراحل مهم زندگی دوره نوجوانی است این دوره بهترین فرصت برای آموختن، اندوختن و شکفتن است به این جهت رشد و شکوفایی نوجوانان از جمله موضوعاتی پراهمیت در جهان معاصر به شمار می‌آید و از دغدغه‌ها و نگرانی‌های دولت‌های مختلف محسوب می‌شود. رویدادهای مختلفی که در نحوه زندگی به نوع مناسبات و شرایط اجتماعی به وجود آمده تغییرات وسیعی را در شکل زندگی، الگوسازی، اخلاق و روابط نوجوانان در سراسر جهان ایجاد کرده است (حیدری، 1379).

سنین نوجوانی دوران بحران‌هاست. بحران هویت‌یابی، عطش دست‌یابی به استقلال، شیفتگی به خویش، جوشش تخیل، گرایش به الگو و تحولات سریع جسمی و جنسی از خصوصیات این دوره است. در این دوره نوجوان نیاز دارد که صاحب هویت مستقلی شود که موردقبول قرار گیرد و خود را از سایرین متمایز نماید: به نظر اریکسون¹ (۱۹۵۹) مسئله عمده‌ای که هر نوجوان با آن روبرو است شکل‌گیری هویت² است. بدین معنا که نوجوان تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی مهم و چه کارهایی ارزشمند است و بتواند به تنظیم معیارهایی بپردازد و بر اساس آن بتوان رفتار خود و دیگران را ارزیابی کند. به‌علاوه احساس خود شکوفایی و شایستگی بنماید که در نوجوانی سؤال‌هایی از قبیل "من کیستم" و هدفم در زندگی چیست؟ به فرد هجوم می‌آورد. در این صورت دچار سردرگمی در هویت شده است.

بسیاری از نوجوانان پیش از اینکه بدانند چه کسی هستند و در زندگی چه می‌خواهند، دچار نوعی حس جدایی می‌شوند. یعنی این احساس رادارند که زمان، آنان را پشت سر می‌گذارد و در انجام هر نوع فعالیتی ناتوان هستند. اریکسون بر این مسئله تأکید می‌کند که طرد شدن از سوی دیگران و اجتماع باعث می‌شود که فرد نتواند در خود این احساس هویتی قوی و مطمئن بیابد. در کشور ما نوجوان و جوانان با مشکلات متعددی روبرو هستند و پرداختن به مسائل و مشکلات نوجوان و جوانان یک ضرورت ملی است به‌طورقطع پرداختن به چنین ضرورتی نیاز به بررسی‌های کارشناسانه علمی و پژوهش‌های همه‌جانبه ملی دارد در بررسی مسائل جوانان و نوجوانان باید با واقع‌بینی مشکلات موجود را بررسی کرد و راهکارهای لازم را معلوم نمود (عصاره، ۱۳۸۰).

رشد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت از دیرباز موردتوجه برنامه ریزان، معلمان، مربیان، والدین و حتی خود نوجوانان بوده است. برخورداری از حس مسئولیت‌پذیری به‌مثابه یک سرمایه ارزشمند حیاتی، در همدلی انسان‌ها، به‌ویژه افرادی است که از مهارت‌های اجتماعی کمتری برخوردارند و از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و خلاقیت‌ها به شمار می‌رود و عاملی مهم در پیشرفت تحصیلی، جامعه‌پذیری، سازگاری اجتماعی با گروه همسالان و... محسوب می‌گردد. عکس این قضیه نیز صادق است یعنی رفتار غیرمسئولانه، خودسرانه و عدم شناخت واقعی فرد از خود و عدم اعتمادبه‌نفس در نوجوانان، باعث شکست تحصیلی، ایجاد عقده حقارت، خود کم بینی، بحران هویت و عدم احساس مسئولیت در انجام کارها و ایجاد افکار و توقعات منفی و... می‌گردد و عاملی مؤثر در گسترش مفاسد اجتماعی و بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شود.

¹ Erikson

² formation identity

این تحقیق به بررسی یکی از بحران‌های مهم نوجوانی، یعنی بحران هویت پرداخته و به روش آموزش مسئولیت‌پذیری در این زمینه می‌پردازد و توجهی خاص به نقش ایجاد مسئولیت شده است با مسئولیت‌پذیری افراد می‌توانند بر بحران‌های زندگی از جمله بحران هویت غلبه نمایند.

بیان مسئله:

نوجوانان در جامعه به دنبال پاسخی عملی به این سؤال هستند که من کیستم این سؤال قرن‌هاست ذهن بشر را به خود مشغول داشته و در این چند دهه اخیر مورد توجه روان‌شناسان مخصوصاً اریکسون قرار گرفته است (اریکسون، ۱۹۶۸). به اعتقاد اریکسون هویتی را که نوجوانان در صد د کسب آن است که او کیست نقشی را که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟ آیا او کودک یا بزرگ است آیا او توانایی آن را دارد که روزی به‌عنوان یک همسر یا پدر باشد؟ آیا او علیرغم نژاد مذهب و ویژگی‌های ملی خود می‌تواند احساس اعتماد نفس کند؟

گاهی نوجوان در شکل دادن به هویت فردی به علت تجارب نامطلوب کودکی یا شرایط نامساعد اجتماعی دچار بحران می‌شود. هنگامی که نوجوان دچار بحران شود احساس پوچی از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کند و گاهی به دنبال "هویت منفی" می‌گردد. هویتی درست برخلاف آنچه که اولیا و جامعه برای او در نظر گرفته‌اند بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه نوجوان را می‌توان از این دیدگاه توجیه نمود. (شاملو، ۱۳۷۲).

بارت^۳ (۲۰۰۰) معتقد است که آموزش کودکان در پذیرش مسئولیت در درون خانواده روشی بسیار مطلوبی برای آماده کردن آن‌ها در پذیرش وظایف مسئولیت‌های بیشماری که در بیرون از خانواده با آن‌ها مواجه خواهند شد و وسایل لازم را برای استقلال آن‌ها فراهم می‌کند. برای یک کودک که اکنون رشد می‌کند و بعداً نوجوان و بزرگسال می‌شود، توانایی در توفیق مسئولیت‌های اجتماعی خارج از خانواده به فرصت برای تجربه کردن مشارکت، ارزشمندی اقدام به خود و قدرت و پیوند اجتماع بستگی دارد. آموزش مسئولیت جریان مداومی است ابتدا از خانواده آغاز می‌شود و در آموزش مسئولیت به کودکان باید توجه داشت که مسئولیت را نمی‌توان به کسی تحمیل کرد و نمی‌توان با فشار و جبر کودک مسئولی به بار آورد. مسئولیت احساسی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و آموخته می‌شود (شفیع آبادی، ۱۳۸۵).

دادن مسئولیت به فرزندان از کودکی و متناسب با سن آن‌ها باعث پرورش توانایی‌ها و اتکا به خود در نوجوانی می‌شود. اراده و مسئولیت‌پذیری کودک بهترین سرمایه زندگی است. در پرتو این مسئولیت‌پذیری کودک با نگرشی صحیح نسبت به کار قواعد و ارتباط‌های انسانی برای مدرسه آماده می‌شود. با انواع تقویت‌ها مواجه می‌شود و در نتیجه الگوی رفتار مناسبی را اختیار می‌کند به اعتقاد ستیر^۴ (۱۳۷۳) آینده‌نیازمند انسانی با مسئولیت بیشتر است که توانایی انتخاب داشته باشد. کسی که بتواند بر اساس احتیاج خود نه بر اساس طرح ریزی که شخص دیگر برای او کرده است برنامه‌ریزی کند. مسئله اساسی در این تحقیق واقف شدن به بحران هویت مختلف نوجوانان و روبرو شدن با این بحران است.

اهمیت تحقیق:

مسئله هویت از موضوعات مهم و چالش‌برانگیزی است که نه تنها تک‌تک افراد در دوران حیات خود با آن مواجه می‌شوند، بلکه از موضوعاتی است که طیف وسیعی از متفکران به انحای مختلف با آن درگیرند. صورت مسئله هویت و ضامیم مربوط به آن همواره در کانون توجه علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، فلسفه، روانشناسی و مشاوره و ... قرار گرفته است. (کدیور، ۱۳۸۰)

با توجه به این واقعیت که هم‌اکنون بیش از ۳۵ میلیون نوجوان و جوان در کشور ما زندگی می‌کنند و نیروی محرکه پویای جامعه همین قشر هستند. لذا باید مشکلات آن‌ها را شناخت و برای مقابله با آن اقدام نمود. دوره نوجوانی، دوران شکوفایی استعدادها در رشد اخلاقی و منشأ اصلاحات اجتماعی است بدین معنا که نوجوانان با افکار و احساس است انقلابی خویش

³ Baret

⁴ Satir

سعی در تغییر و دگرگون ساختن دنیا دارد و ارزش‌های حاکم را زیر سؤال می‌برد. او حتی نزدیک‌ترین افراد خویش را مورد انتقاد قرار می‌دهد. البته این تغییرات و تحولات روانی را نمی‌توان به چشم یک عارضه منفی و یک مسئله وخیم که باید با آن مبارزه کرد در نظر گرفت و روش‌های هدایت آن‌ها را در پیش گرفت. (احمدی، ۱۳۷۸)

از تحولات روانی نوجوان می‌توان در جهت تصحیح و تسریع کمال انسانی و رشد بینش ارزش‌های انسانی استفاده کرد و با آموزش صحیح شناختی و ایجاد تغییرات مثبت در نگرش آن‌ها بهداشت روانی آن‌ها را تأمین نمود. این تحقیق در این زمینه حرکت می‌کند تا بر اهمیت آموزش مسئولیت‌پذیری به‌ویژه در مراکز آموزشی بتوان یکی از راه‌های مؤثر مقابله با بحران‌ها را به افراد آموزش داد تا در مراحل مختلف زندگی به‌ویژه در نوجوانی از آن استفاده نمایند.

با آموزش مسئولیت‌پذیری به افراد می‌توان انسان‌های اندیشمند، خلاق، سرزنده و شجاع تربیت نمود. انسان‌های که می‌خواهند برای حل مشکلاتی که در دنیای خود با آن روبرو هستند تلاش کنند. هرچند که نتوانند همه آن‌ها را حل کنند ولی به حل پاره‌ای از آن‌ها موفق خواهند شد. با اعتقادی که این افراد در نتیجه موفقیت‌های خویش به دست آورده‌اند ممکن است برای مدتی شکست بخورند ولی می‌دانند رسیدن به حدی از موفقیت امکان‌پذیر است، و اگر موفقیت به راحتی حاصل نشود مایوس و دلسرد نخواهند شد. رشد هویت معمولاً "یکی از جنبه‌های رشد خود در نظر گرفته می‌شود. رشد خود نیز یکی از مباحث مهم مطرح شده در قلمرو روان‌شناسی رشد است که حاوی موضوعات مهمی همچون رشد مفهوم خود، عزت‌نفس^۵ یا ارزش نهادن به شایستگی فرد، رشد شناخت دیگران و رشد هویت است.

از نگاه اریکسون یکی از تکالیفی که انسان در نوجوانی با آن مواجه می‌شود تکوین هویت شخصی^۲ است. این بدان معناست که نوجوان برای دستیابی به هویت شخصی خود با پرسش‌های مهمی چون من کیستم؟ مقصودم چیست؟ هدف از حیات چیست؟ و.. مواجه می‌شود. روندی که نوجوان طی چند سال برای پاسخگویی به این پرسش‌ها طی می‌کند به عنوان جستجوی هویت نامیده می‌شود.

از نکات مهم در نظریه هویت اریکسون توجه به این مطلب است که رشد شخصیت امری است که در سراسر عمر آدمی اتفاق می‌افتد از سوی دیگر موضوع اصلی در رشد شخصیت جستجوی هویت است. به عقیده اریکسون (۱۹۵۹) بحران در تمام مراحل زندگی است انسان در مقابل کمال قرار گرفته و باید حل شود.

برای اینکه نوجوانان از شخصیت مستقل به متعادل و متعالی که جوهره شکوفایی وجود و خلاقیت ذهنی است برخوردار گردند باید زمینه‌های تلاش و حرکت آن‌ها را به تناسب رشد شخصیت و تحول ذهنی‌شان فراهم نمود و موانع پیشرفت را برطرف نمود.

اهمیت این تحقیق در این است که اولیا و مربیان را متوجه وظایف و مسئولیت‌های خود در مسئله هویت‌یابی اسلامی نوجوانان می‌کند و شرایطی فراهم کنند تا فرد مهارت‌های اساسی برای کنار آمدن با بحران‌ها را کسب نموده و با احساس مسئولیت در قبال اعمال و رفتار فرد تصویر کمابیش روشن از خود، موقعیت اجتماعی و آینده داشته باشند. با روشن شدن بیشتر این بحران و آگاهی از تأثیرات مختلف بر آن می‌توان بآید بازی به مشکلات نوجوانان توجه کرد و زمینه را برای تحقیقات بعدی فراهم ساخت و هم نقش اجتماع را در پی‌ریزی هویت نوجوانان که سازندگان اجتماع آینده هستند مورد نظر قرارداد تا نقایص در برنامه‌های آموزشی را رفع نموده راه هویت توفیق را برای نوجوانان هموار ساخت. و این شیوه به‌عنوان یک شیوه درمانی هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی در کلینیک‌های مشاوره می‌توان استفاده نمود.

همچنین این تحقیق به بررسی تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری بر بحران هویت و رابطه بحران هویت را با متغیر دموگرافیک مورد بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه یافته‌های تحقیق هم از حیث کاربردی و هم از حیث بنیادی اهمیت زیادی دارد. این پژوهش گامی است در جهت حل یکی از مشکلات مهم نوجوانان و جوان‌هایی که در این عصر با آن دست‌به‌گریبان هستند.

⁵ self esteem



اهداف تحقیق:

هدف اصلی: تعیین اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی بر بحران هویت و شکل‌گیری هویت اسلامی

نوجوانان

هدف فرعی:

تعیین رابطه متغیرهای دموگرافیک با بحران هویت اسلامی

هدف فرعی عبارت است از، بررسی خصوصیات دموگرافیک نوجوانان به‌منظور پیش‌بینی و پیشگیری از بحران هویت اسلامی.

فرضیه‌های تحقیق:

۱- آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی سطح بحران هویت اسلامی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

۲- بین میزان بحران هویت دانش‌آموزان با والدین دارای سطوح تحصیلی مختلف، تفاوت وجود دارد.

۳- بین میزان بحران هویت نوجوانان دارای سطوح مختلف وضعیت اقتصادی تفاوت وجود دارد.

۴- تعداد فرزندان خانواده بر میزان بحران هویت نوجوانان اثر دارد.

۵- بین عملکرد تحصیلی و بحران هویت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی:

تعریف نظری:

بحران هویت: عبارت است از اختلال درونی و نامطمئن‌ی درباره نقش مشخص در آینده، شروع آن در نوجوانی است. ابعاد اختلال می‌تواند شامل انتخاب شغل، الگوهای دوستی، مذهب، ارزش‌های اخلاقی و جهت‌گیری جنسی باشد، اختلال به‌وسیله یک ناتوانی در تصمیم‌مربوط به ابعاد ذکرشده و توجه به خود شخص بیشتر از حوادث بیرونی باشد و همچنین بیگانگی از خانواده عملکرد تحصیلی، شغلی پائین ممکن است نتیجه این اختلال باشد. (اریکسون ۱۹۸۲)

مسئولیت: حالتی که طی آن شخص نقش و اثر خود را در عوارض و نتایج یک اقدام، فعالیت یا رفتار می‌پذیرد. شرایط فرد بزرگ‌سالی که قادر است مقررات، آداب، رسوم و معیارهای اخلاقی، اجتماعی، شغلی... را رعایت کند و در صورت عدم رعایت، عوارض و نتایج نامطلوب آن را نیز بپذیرد می‌باشد. یکی از ویژگی‌های فرد که نقش‌های اجتماعی خود را می‌پذیرد و در جهت انجام وظایف خود تلاش می‌کند. (ساعتچی، ۱۳۷۷)

تعریف عملیاتی:

آموزش مسئولیت‌پذیری: به شیوه واقعیت‌درمانی در این تحقیق آموزشی است که طی ۷ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای به دانش‌آموزان داده می‌شود که این شیوه آموزش مبتنی بر نظریه واقعیت‌درمانی گلاسر بوده که هدف آن کمک به اعضا در ارضای نیازها به‌صورت مسئولانه و درنهایت رسیدن به هویت توفیق است.

بحران هویت: نمره‌ای است که در آزمون بحران هویت به دست می‌آید. پرسشنامه حاوی ۳۰ سؤال بوده است و پاسخ هر سؤال ۵ سطح: کاملاً مخالفم (۱ نمره) مخالفم (۲ نمره) مطمئن نیستم (۳ نمره) موافقم (۴ نمره) و کاملاً موافقم (۵ نمره) دارد. (رمضانی، ۱۳۸۰)

شکل‌گیری هویت:

تشکیل هویت فرایندی است که در تمام طول زندگی ادامه دارد. ما تا حدودی هویت خود را از راه همانندسازی شکل می‌دهیم ما خود را با آنان که جاذبه‌ای برایمان داند همانند می‌کنیم و بنابراین شبیه آنان می‌شویم گرچه شاید از این امر خودآگاهی نداشته باشیم پس هویت هر فرد تا حدودی ترکیبی از همانندسازی‌های نسبی و گوناگون است به‌علاوه ما از طریق دستاوردها و فضایل خود به‌نوعی حس هویت نائل می‌شویم. توانایی ایستادن، راه رفتن، دویدن، توپ‌بازی کردن، ترسیم،

خواندن و نوشتن ، همه در ایجاد حس هویت خود سهمی دارد ما به آنجا می‌رسیم که خود را به صورت کسی ببینیم که می‌تواند این امور را انجام دهد . چنین دستاوردها و فضایی در صورتی که برای فرهنگ خاص خود مهم باشد . بخشی از یک حس هویت مثبت و پابرجا می‌شود . با این همه گر چه تشکیل هویت یک فرایند مادام‌العمر می‌باشد اما بحران هویت در دوره نوجوانی روی می‌دهد در این دوره است که تغییرات فراوان درونی روی می‌دهد و مسائل زیادی به صورت الزامات آینده مطرح می‌شود در این زمان به نظر می‌رسد که هویت اولیه فرد برای همه گزینش‌ها و تصمیماتی که باید اتخاذ کند کافی نیست (کرین، 1371)

طبق نظریه اریکسون (1959) رشد شخصیت و هویت آدمی در هشت مرحله صورت می‌گیرد اریکسون در کتاب کودکی و جامعه درباره هشت مرحله رشد می‌گوید که این مراحل نتیجه پیاده شدن یک طرح اولیه و فطری است و به وسیله دستگاه وراثت انتقال می‌یابد . اریکسون عقیده دارد که هر یک از این مراحل رشد توأم با یک بحران است ، یعنی در هر مرحله از زندگی به علت عوامل فیزیولوژیک رشد یا توقعات اجتماعی ، نقطه عطفی پدید می‌آید به علاوه هر یک از این مراحل به سبب شرایط خاص خود یک سلسله تکالیف و وظایف برای فرد ایجاد می‌کنند . (شاملو، 1372)

به نظر اریکسون شکل‌گیری شخصیت بستگی به این دارد که فرد هر یک از وظایف خود را چگونه انجام دهد و با هر یک از این بحران‌ها چگونه برخورد کند . چگونگی شکل‌گیری شخصیت و هویت نوجوان به وضعیت رشد روانی - اجتماعی قبلی او مربوط می‌شود . اریکسون معتقد بود که زیربنای هویت و شخصیت سالم را احساس اعتماد کلی می‌سازد . کودکی که احساس درونی و عمیق داشته باشد دنیا را مکانی امن و ثابت می‌بیند و مردم را قابل اعتماد و اطمینان می‌پندارد . این احساس اطمینان در دوره طفولیت پدید می‌آید و قسمتی از آن ناخودآگاه است .

اریکسون (1959) معتقد بود که تجربه پیوستگی ، استمرار و همانندی در شخصیت و هویت فرد در اوایل کودکی به وسیله مادر فراهم می‌شود در این حس هویت اولیه ، اساس این تجربه استمرار آگاهی از بدن است . شناخت مجدد اشیاء ، اساس برای تجربه همانندسازی است . بنابراین ریشه‌های شکل‌گیری هویت در شناخت مجدد نوزاد از مادر قرار دارد .

نوزاد در اوایل زندگی یاد می‌گیرد فردی که او را تغذیه می‌کند و آرامش جسمانی او را تأمین می‌کند را شناسایی کند . رشد هویت در واقع مترادف رشد فردیت و تمایز فردی است ، نوجوانی دومین مرحله از جریان فردیت - جدایی I است . زیرا همان‌گونه که گفته ، مرحله اول آن در اوایل کودکی رخ می‌دهد ، کودک خود را کشف می‌کند و از مادر جدا و متمایز می‌سازد . مرحله دوم : فردیت که شامل آزادی و رهایی بیشتر از ریشه و اصل انسان است خودمختاری و استقلال و قدرت تصمیم‌گیری فراوان‌تری را به ارمغان می‌آورد . در این دوره فرد دوباره به بازسازی شبکه اشخاص مهم می‌پردازد . در آغاز نوجوانی ، والدین در مرکز این شبکه قرار دارند .

درمان مشکلات هویت:

درمان مشکلات هویت اساساً باید با تشخیص نقطه‌ی توقف نوجوان در جریان تحول او از وابستگی کودکی به استقلال دوره‌ی نوجوانی انجام شود . برای مثال در برخورد با پسران جوان 20 ساله‌ای که درگیر مشکلات مربوط به فاصله گرفتن طبیعی از سنین 15 تا 16 سالگی است ، راهی نیست جز این‌که درچه‌های مبارزه‌ی آرام وی برای کسب استقلال ، با حداقل تعارض و کشمکش گشوده شود . در چنین موردی می‌توان به فرد کمک کرد تا نقش‌هایی را که در سن کودکی از او انتظار می‌رفته است ، بر عهده گیرد تشخیص موقعیت نوجوان در فرایند رشد هویت و تعیین این نکته که او در کدام یک از مراحل‌های اوایل ، اواسط و اواخر دوره‌ی نوجوانی (زیر مرحله‌های فاصله گرفتن از پایگاه پیشین کودکی ، جدایی برای تدارک استقلال و ورود مجدد به مناسبات اجتماعی به‌عنوان یک بزرگسال) قرار گرفته است ، راه را برای درمان مؤثر وی می‌گشاید .

اگر نوجوان در اوایل بلوغ و در دوره‌ی فاصله گرفتن از پایگاه کودکی است ، می‌توان به او کمک کرد تا راه‌های مناسب برای فاصله گرفتن از خانواده را در پیش گیرد ، بدون آن‌که دچار تعارض شود یا از خودبیگانگی غیر ضروری در وی به وجود آید .

اگر نوجوان در اواسط بلوغ و دوره جدایی و در تدارک برای استقلال است ، می‌توان به او کمک کرد تا به جای آن‌که نقش‌های خطرناک یا مخاطره‌آمیز ایفا کند ، یاد بگیرد که نقش‌های مولد و ثمربخش را بر عهده گیرد .

و بالاخره اگر نوجوان در اواخر بلوغ و دوره‌ی ورود مجدد به مناسبات اجتماعی به‌عنوان یک بزرگسال است می‌توان اقداماتی را انجام داد که او بتواند، جنبه‌های گوناگون خود را که با خود تثبیت شده‌ی بزرگسالی همانند باشد قدم‌به‌قدم و به‌طور منظم کشف کند. البته درمان افراد اواخر دوره‌ی نوجوانی، اساساً درمانی شناختی و انتزاعی است اقدامات درمانی برای رفع مشکلات هویت همیشه باید بر نتایج تجربه‌ی رفتارها متمرکز باشد. بسیار مهم است که به نوجوان کمک شود تا از تفکر یک‌جانبه و سخت‌گیرانه فاصله بگیرد و به تفکر همه‌جانبه و چندبعدی مجهز شود تا بتواند نتایج رفتار درست یا نادرست را بفهمد.

بعلاوه، درمان مشکلات هویت مستلزم کمک به نوجوان در راستای پاسخ‌هایی است که او باید در مقابل این پرسش اساسی به خود بدهد که: به نوجوان باید کمک شود تا دریابد، ایفای چه نقش‌هایی با «؟ من می‌خواهم چه جور آدمی باشم» خصوصیات، خلیات و هدف‌های شخصی او هماهنگی دارند و چه نقش‌هایی با این خصوصیات و هدف‌ها ناهماهنگ هستند. (غضنفری، 1386)

نکته‌ی بسیار مهم این است که درمان مشکلات هویت باید به‌گونه‌ای باشد که پسر یا دختر جوان را به استقلال هویت برساند، نه این‌که او در جریان وابستگی به شخص دیگری بخواهد هویت خویش را تحصیل کند: هویت سالم و مستقل باید بتواند با دیگران رابطه‌ی صمیمانه برقرار کند و این متفاوت از ارتباط‌گیری ناشی از وابستگی به دیگری است. تفاوت اساسی هویت سالم و مستقل در همین نکته است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰)

بحران هویت و راه‌های رفع آن، از دیدگاه قرآن:

قرآن کریم گروهی از انسان‌ها را بدون هویت انسانی و اخلاقی معرفی می‌کند و می‌فرماید: گروهی از انسان‌ها دل‌هایی بدون ادراک و گوش‌های ناشنوا و چشم‌های نابینا دارند آن‌ها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر اینان همان غافلاند (اعراف: 179). از دیدگاه قرآن، غفلت، عامل اصلی بحران هویت است؛ زیرا این ویژگی سبب دور شدن شخص از هدف نهایی خ لقت خویش و در نتیجه گرایش او به پوچی و بی‌هدفی می‌شود. همچنین، خداوند در آیه دیگری خود فراموشی را که یکی از عوامل بحران هویت است پی آمد آن خدا فراموشی می‌داند و می‌فرماید "از آنانی نباشید که خدا را به فراموشی سپردند در نتیجه خداوند نیز خودشان را از یادشان برده است" (حشر: ۱۹) شناخت نفس، یکی از راه‌های هویت‌یابی است. در قرآن کریم نیز آمده است "علیکم انفسکم: خودتان را دریابید (مائده ۱۰۵).

تحقیقات انجام‌شده:

در ایران در رابطه با هویت تحقیقات قابل توجهی انجام‌شده است. در سال 1370 تحقیقی در زمینه مقایسه بحران هویت بین دانش‌آموزان عادی و پرورشگاهی در مقطع راه‌نمایی انجام‌شده است. در تحقیق تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشده است.

دانشور (1375) بحران هویت و عوامل مؤثر در آن را در نوجوانان شیراز بررسی کرد و چنین نتیجه گرفت که هر چه طبقه اقتصادی خانواده پایین‌تر باشد میزان بحران هویت در نوجوانان آنان افزایش می‌یابد هر چه سن نوجوانان بیشتر باشد بحران هویت آنان افزوده می‌شود که در رابطه با مسائل تحصیلی چشم‌گیرتر بوده است. (در زمینه اثرات ناشی از بحران هویت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اصفهان در سال 75-76)

تحقیقی صورت گرفت نتایج نشان داده است که بین بحران هویت و پیشرفت تحصیلی همبستگی منفی وجود دارد یعنی هرچه دانش‌آموزان دچار بحران هویت باشند پیشرفت تحصیلی آن‌ها کمتر است (نقل از رئیسی، 1376) محمدی در سال 76 تحقیقی با عنوان بررسی نقش واگذاری مسئولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار پایه دوم و سوم مقطع راهنمایی پسرانه شهر تهران انجام داده است این تحقیق که در مناطق 7 و 11 و 13 تهران و به‌صورت تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل به مدت 2 ماه به والدین گروه آموزشی جلسات آموزشی در زمینه واگذاری مسئولیت

انجام شده نتایج نشان داد که از لحاظ آماری تفاوت معناداری بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون به دست آمده بدین معنی که واگذاری مسئولیت در ایجاد سازگاری نوجوان ناسازگار مؤثر بوده است.

احمدی و رضوی نژاد در سال 78 تحقیقی با عنوان تأثیر آموزش گروهی به شیوه گلاسر بر بحران هویت دانشجویان انجام دادند نتایج نشان می دهد که آموزش گروه به شیوه گلاسر بر بحران هویت دانشجویان تأثیر داشته و آن را کاهش داده است. سعید حواله کیا در سال 81 تحقیقی با عنوان بررسی راه های افزایش حس مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس در نوجوانان انجام دادند نتایج پژوهش حاکی است که بین اعتماد به نفس، مسئولیت پذیری، اعتقادات مذهبی، بهره ی هوشی و ... همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

اریکسون مثل پیازه (1932) معتقد است که سلسله مراحل رشد به طور ژنتیکی مشخص و معین شده ولی شکل گیری آن به عوامل محیطی وابسته است به همین دلیل نظریه وی را اصطلاحاً جزء نظریات اپی ژنتیک 4 می دانند. هر چند اریکسون نوجوانی را پل بین کودکی و بزرگسالی به عنوان مرحله مجزای رشد و تکامل می بیند در عین حال رشد هویت را یک جریان مستمر در سرتاسر عمر می داند.

به دنبال اریکسون مارسیا (1966) نیز با تعریف و توصیف هویت نوجوانی را به عنوان دوره ای می داند که در آن نوجوان با یک بحران هویت روبرو می شود این بحران با انتخاب کردن و تصمیم گیری در مورد حوزه های مختلف زندگی حل می شود بحران و تعهد دو عنصر متغیر اساسی در مدل حالات هویت ماریسا است و بر این اساس وی حالات هویت نوجوانان را به چهار دسته تقسیم می کند حالات هویت آشفته زود شکل گرفته، به تعویق افتاده و پیشرفت. میوس در مطالعات انجام شده در فرضیه حالات هویت به این نکته اشاره می کند که در بیشتر این مطالعات یک سیر و گرایش تکاملی در پیشرفت حالات هویت مدنظر قرار گرفته است

چنانچه فرضیه اساسی مدل حالات هویت این است که نوجوان همان طور که بزرگتر و مسن تر می شود انتقال های تکاملی و پیشرونده ای را در حالات هویت طی می کند یعنی از حالت آشفته به حالت زود شکل گرفته یا به تعویق افتاده و از حالت تعویق یافته به حالت پیشرفت حرکت می کند وی در این مطالعه یادآور می شود که تنها احتمال کمی برای پیشرفت منظم و سیستماتیک در رشد حالات هویت وجود دارد (میوس، 1995)

مارسیا 1966 نیز ضمن پژوهشی که انجام داد متوجه شد که بین اندازه گیری هایی مربوط به هویت خود و اندازه گیری های مربوط به عزت نفس به طور معنی داری رابطه مثبت وجود دارد.

نتیجه گیری از تحقیقات انجام شده:

با توجه به مجموع تحقیقات انجام شده که در زمینه هویت یابی نوجوانان صورت گرفته است می توان دریافت که هویت فرایندی مستمر در زندگی است که هر مرحله آن دارای شرایط و ویژگی خاصی است با این همه تقسیم بندهای اولیه هویت نمی توانست شرایط کلیه نوجوانان را توجیه نماید. بنابراین تحقیقات و پژوهش های فعلی به نظریات سابق اکتفا نکرده و به دنبال یافتن سبکها و حالات جدیدی از هویت یابی نوجوانان بوده است تا بتواند پیشرفت این جریان را در کلیه نوجوانان توجیه و تفسیر نماید. همچنین بسیاری از این تحقیقات نشان می دهند که نوجوانان از سبک های متفاوتی در برخورد با مسائل عقلی، عاطفی، روابط بین فردی و اجتماعی پیروی می کنند. توجه به عوامل شرایط محیطی و بیرونی که می تواند در جریان هویت یابی دخالت و تأثیر داشته باشد، این جریان را از حالت فردی خارج ساخته است و توجه صاحب نظران را به عوامل خارجی نیز معطوف ساخته است. در نهایت با توجه به آخرین تحقیقات این نتیجه به دست می آید که جریان شکل گیری هویت همیشه یک جریان پیشرونده نیست نوجوان گاهی گامی به جلو و گامی به عقب برمی دارد تا احتمالاً خود را به هویت منسجمی برساند.

با توجه به مجموع تحقیقات انجام شده که در زمینه مسئولیت انجام گرفته می توان دریافت که مسئولیت فرایندی است که فرد باید آن را در سالهای کودکی آموخته تا بتواند با وظایف متعدد که در دوران های مختلف روبرو می شود به نحو موفقیت آمیز برخورد کند تا سلامت روانی فرد تأمین شود. مسئولیت در تمام جنبه های زندگی از جمله رشدی، تحصیلی، شغلی، خانوادگی، بیماری ها، طول عمر و ... تأثیرگذار است یکی از حیثه هایی که باید در تحول دوره نوجوانی مورد توجه قرار گیرد حیثه

مسئولیت پذیری است که نوجوان باید بتواند کار یا وظیفه‌ای را که بر عهده اوست به انجام برساند با افزایش طول عمر خود باید مسئولیت‌های بزرگ‌تری را عهده‌دار شود و آن‌ها را به صورت مستقل انجام دهد که خانواده و جامعه در این باره نقش مهمی به عهده‌دارند.

روش پژوهش:

روش تحقیق نیمه تجربی یا آزمایشی است و از طرح دوگروهی (گروه آزمایش و گروه کنترل) با پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شده است طرح تحقیق به صورت زیر است:

گروه‌ها	انتخاب تصادفی	پیش‌آزمون	متغیر مستقل	پس‌آزمون
گروه آزمایش	R	T1	X	T2
گروه کنترل	R	T1		T2

جامعه آماری:

کلیه دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دبستانی و دبستانی شهر نمین در سال تحصیلی 96-97 جامعه آماری این تحقیق بودند.

نمونه تحقیق و روش نمونه‌گیری:

نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. ابتدا از بین مدارس دوره پیش‌دبستانی و دبستانی شهر نمین یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین دانش‌آموزان دختر این مدرسه 200 نفر به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و پرسشنامه بحران هویت بر روی آن‌ها اجرا گردید سپس از میان این افراد 35 نفر را که بیشترین میزان بحران هویت را نشان دادند مشخص گردیدند 5 نفر از آنان در تحقیق شرکت ننموده‌اند و حذف گردیدند 30 نفر نمونه آماری این تحقیق بودند سپس به صورت تصادفی 15 نفر در گروه آزمایشی و 15 نفر در گروه کنترل قرار گرفتند.

ابزار تحقیق:

- 1- پرسشنامه هویت‌یابی، این پرسشنامه برگرفته‌شده از چندین پرسشنامه‌های هویت پرفسور آدامز، بروزنسکی، جکسن است و شامل 30 سؤال سه نوع هویت (جنسی، حرفه‌ای و اجتماعی) را ارزیابی می‌کند این پرسشنامه در یک مطالعه مقدماتی بر روی 25 نفر از دانش‌آموزان اجرا شد و با استفاده از دونیم کردن سؤالات همبستگی دونیمه به دست آمد این همبستگی بیش از 80 درصد بوده و در سطح 99 درصد معنی‌دار بوده است.
- 2- اطلاعات دموگرافیک شامل میزان درآمد خانواده، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، شغل مادر، شغل پدر، طبقه اقتصادی و تعداد افراد خانواده برای یافتن طبقه اقتصادی دانش‌آموز از چهار مشخصه استفاده‌شده نوع شغل والدین، سطح سواد والدین، میزان درآمد و همچنین دیدگاه خود دانش‌آموز نسبت به طبقه اقتصادی که میانگین نمرات آن‌ها به عنوان طبقه اقتصادی محاسبه گردید.

روش اجرا

پیش از اجرای آزمون بحران هویت و تعیین افراد گروه آزمایش و کنترل در مدرسه با افراد آزمایش مصاحبه به عمل آمد در مصاحبه در مورد تمایل مشارکت در جلسات، کسب اجازه از والدین و توضیحاتی در مورد نحوه کارگروه، تعداد جلسات و هدف گروه به اعضا داده شد. بعداً با توافق اعضای گروه زمان جلسات مشخص شد. آموزش مسئولیت‌پذیری به روش تجارب با ساختار در مشاوره گروهی اجرا شد. مدت هر جلسه یک ساعت بود ابتدا رهبر مطالبی را مطرح می‌کرد و سپس اعضا به منظور تعامل بهتر دایره‌وارمی نشستند و به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند سپس



مطالب اعضاء در تابلو منعکس می شد و بررسی کلی صورت می گرفت و در پایان هر جلسه تکلیفی داده می شد و در جلسه بعد مورد بررسی قرار می گرفت.

عناوین جلسات عبارت بودند از :

جلسه اول : شناخت هویت اسلامی (هویت توفیق ارضاء نیازها ، هویت شکست یا بحران هویت).

جلسه دوم : پذیرش جنسیت خود و زمینه برای کسب هویت مثبت جنسی.

جلسه سوم : روابط سالم و مؤثر با دیگران به عنوان یک نیاز اجتماعی.

جلسه چهارم: مهارت های تصمیم گیری.

جلسه پنجم : لزوم برنامه ریزی در کارها و تصمیمات گرفته شده.

جلسه ششم : برنامه ریزی برای داشتن رفتار مسئولانه.

جلسه هفتم : تصمیم گیری در مورد تحصیل .

روش آماری:

از روش های آماری توصیفی مانند: درصد، فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و واریانس، هیستوگرام ، نمودار متغیره ا آمار استنباطی مانند: آزمون تفاوت میانگین ها t.test تحلیل واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی بود که با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

تجزیه و تحلیل استنباطی:

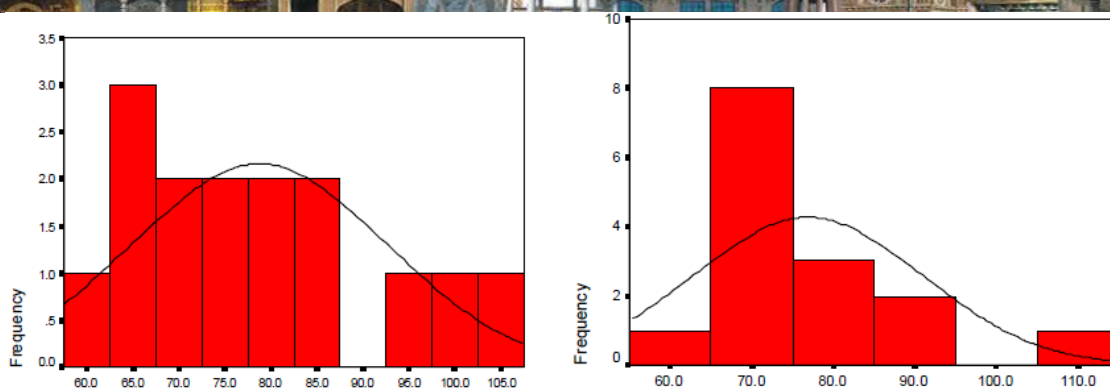
فرضیه اول : آموزش مسئولیت پذیری به شیوه واقعیت درمانی بحران هویت و اختلال در شکل گیری هویت اسلامی دانش آموزان را کاهش می دهد.

جدول ۱: آزمونهای تی گروه های وابسته برای تعیین تفاوت میان میزان بحران هویت در پیش آزمون پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل

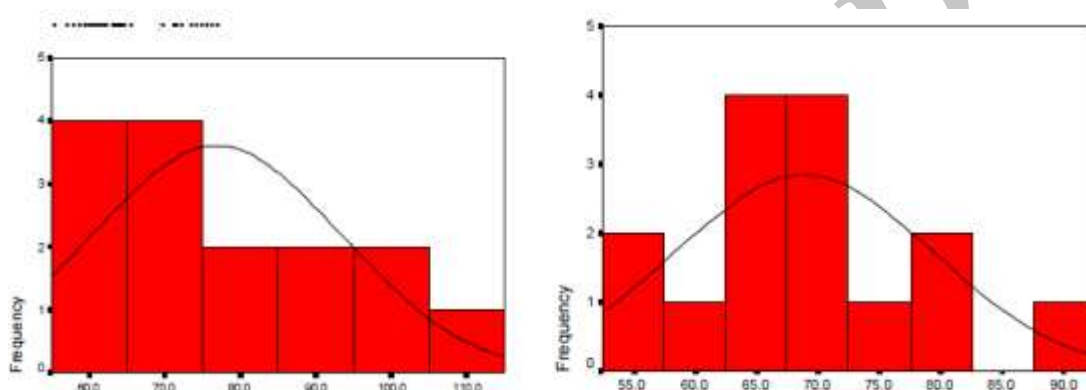
گروه	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	پیش آزمون	۱۵	۷۶/۸۷	۱۳/۹۹	۳/۳۷	۱۴	۰/۰۰۵
	پس آزمون	۱۵	۶۸/۸۷	۱۰/۴۹			
کنترل	پیش آزمون	۱۵	۷۸/۷۳	۱۳/۸۱	۱/۰۴	۱۴	Ns
	پس آزمون	۱۵	۷۶/۸۶	۱۶/۵۶			

میانگین آزمون تی تأثیر آموزش در دو گروه (آزمایش و کنترل) بر نمرات پس آزمون بحران هویت در جدول ارائه گردیده است.

مطابق جدول تفاوت بین میانگین دو گروه آزمایش و کنترل معنی دار است. ملاحظه می شود که در افراد تحت آموزش میانگین بحران هویت پس از آموزش کاهش یافته است و این تفاوت در سطح پنج هزارم معنادار می باشد ولی در گروه فاقد آموزش میزان میانگین بحران هویت تفاوت چندانی پیدا نکرده است و این تفاوت معنادار نمی باشد. لذا فرضیه اول تأیید می شود.



شکل ۱: هیستوگرام توزیع متغیر پیش‌آزمون بحران هویت در مقایسه با منحنی نرمال



شکل ۲: هیستوگرام توزیع متغیر پس‌آزمون بحران هویت در مقایسه با منحنی نرمال

فرضیه دوم: بین میزان بحران هویت دانش‌آموزان با والدین دارای سطوح تحصیلی مختلف، تفاوت وجود دارد.

جدول ۲- تحلیل واریانس یک‌طرفه برای تعیین میزان تفاوت بحران هویت در افراد با تحصیلات مختلف پدر

سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره تحصیلات پدر
NS	۰/۱۵۷	B=3	۹/۳	۷۸	۴	بی‌سواد
		W=26	۱۵/۵	۷۸/۷۸	۹	خواندن و نوشتن
		T=29	۱۶/۳	۸۰/۴۵	۱۱	دیپلم
			۶/۹	۷۱/۳۳	۶	فوق‌دیپلم

طبق جدول فوق رابطه تحصیلات پدر با بحران هویت معنی‌دار نیست. جدول فوق نشان می‌دهد که کمترین میانگین مربوط به افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم است و تفاوت معناداری وجود ندارد. لذا فرضیه دوم تأیید نمی‌شود. همچنین به همین صورت برای تحصیلات مادر نیز انجام گرفت و نتایج نشان می‌دهد که کمترین میانگین مربوط به مادران با تحصیلات در حد خواندن و نوشتن است و تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین میزان بحران هویت نوجوانان دارای سطوح مختلف وضعیت اقتصادی تفاوت وجود دارد.



جدول ۳: تحلیل واریانس یک طرفه برای تعیین میزان تفاوت بحران هویت در افراد با طبقه اقتصادی مختلف

سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره / طبقه اقتصادی
۰/۰۵	۳/۲۸	B=2 W=27 T=29	۱۱/۵	۷۳/۸۳	۶	نیمه مرفه
			۱۰/۷	۷۴/۷۶	۱۷	متوسط
			۱۷/۷	۸۸/۵۷	۷	پایین

جدول فوق نشان می‌دهد که کمترین میانگین مربوط به افراد مربوط به طبقه نیمه مرفه است و تفاوت معنادار در سطح پنج صدم وجود دارد یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی افراد، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری هویت اسلامی نیز کاهش می‌یابد و با بدتر شدن وضعیت اقتصادی بحران هویت افزایش می‌یابد. و همچنین آزمون تعاقبی توکی نشان داد این تفاوت بین افراد گروه با طبقه اقتصادی پایین و متوسط وجود دارد.

فرضیه چهارم: تعداد فرزندان خانواده بر میزان بحران هویت نوجوانان اثر دارد

جدول ۴: تحلیل واریانس یک طرفه برای تعیین میزان تفاوت بحران هویت در گروه‌های با تعداد اعضای خانواده مختلف

سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره / تعداد اعضا خانواده
NS	۱/۸۳	B=5 W=24 T=29	۸/۱	۶۷	۴	سه نفره
			۱۳/۹	۷۵/۶	۸	چهار نفره
			۱۱	۷۸	۷	پنج نفره
			۱۰/۵	۷۶/۳	۶	شش نفره
			۱۵/۷	۸۸/۷	۳	هفت نفره
			۲۴/۷	۹۵/۵	۲	نه نفره

جدول فوق نشان می‌دهد با افزایش تعداد اعضا خانواده، میانگین بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری هویت اسلامی نیز افزایش یافته است ولی تفاوت معناداری ایجاد نکرده است.

فرضیه پنجم: بین عملکرد تحصیلی و بحران هویت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه میان عملکرد تحصیلی و میزان بحران هویت

سطح معناداری	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره متغیر
۰/۰۴	-۰/۳۸	۲/۸	۱۳/۵۳	۳۰	معدل
		۱۳/۷	۷۷/۸	۳۰	بحران هویت

مطابق جدول فوق رابطه عملکرد تحصیلی و بحران هویت در سطح (۰/۰۴) معنی‌دار و میزان رابطه (-۰/۳۸) و منفی است لذا فرضیه پنجم تأیید می‌گردد. علامت منفی بیانگر آن است که با افزایش عملکرد تحصیلی بحران هویت کاهش می‌یابد و با افت تحصیلی بحران هویت افزایش می‌یابد. ملاحظه می‌شود بین معدل و بحران هویت رابطه معکوس و معنادار در سطح چهار صدم وجود دارد بدین ترتیب که هرچه عملکرد تحصیلی بهتری داشته باشند میزان بحران هویت نیز کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه گیری:

تأثیر آموزش مسئولیت پذیری بر کاهش بحران هویت و اختلال در شکل گیری هویت اسلامی این نکته را آشکار می سازد که با آموزش صحیح و فراگرفتن مهارت ها برای مسئولیت پذیری می توان بر بحران هویت غلبه نمود . در گروه این فرصت ایجاد می شود که اعضاء در مورد خود به تأمل و تفکر بپردازد سپس برداشتهای خود را در قالب کلام به صورت بی پرده و باز با دیگران در میان بگذارند ، گروه باعث خودشناسی می شود و این خودشناسی مبنایی برای اتخاذ تصمیمات سازنده تر ، داشتن یک برنامه کارسازتر ، تغییر دادن احساسات ، افکار یا رفتار خود و بالاخره شکوفا کردن یا تحقق بخشیدن به قابلیت های خویش می گردد و همچنین بهبود بخشیدن به ارتباط های مؤثر ، پیشبرد برخوردهای انسانی بامعنا و تسهیل شیوه های ارضای نیازهای روانی اجتماعی است به عبارت ساده تر اعضا می آموزند که برای دیگران اهمیت دارند یک عضو آنچه می گوید همه می شنوند و عقایدش به حساب می آید . وقتی فرد لذت فکر کردن و گوش دادن به دیگران را تجربه کند ، دیگر از اینکه عقیده ای مستقل داشته باشد از وارد شدن در مباحثه و استفاده از نی روی فکری خود برای حل مشکلات واهمه ندارد . فرد از طریق حل مشکل در گروه می آموزد که چگونه در مدرسه یا گاهی اوقات در خانه ، مشکل را برطرف کند .

مباحثی که در گروهها مطرح شد بر اساس نیازها و سؤالات دانش آموزان بود این مباحث باعث شد که نوجوانان با نیازهای انسان برای رسیدن به هویت توفیق ، بحران هویت و عواقب بحران هویت آشنا شده و دریابند که در نهایت خود فرد برای کسب هویت توفیق مسئول است و نمی توان عوامل جامعه و غیره را مقصر شمرد زیرا مقصر شمردن دیگران به معنی نادیده گرفتن مسئولیت شخصی است .

همچنین با فرایند تصمیم گیری ، لزوم برنامه ریزی کارها ، پذیرش جنسیت خود و زمینه برای کسب هویت مثبت ، داشتن روابط سالم و مؤثر با دیگران به عنوان یک نیاز اجتماعی آشنا شدند . بنابراین ارضاء نیاز به تعلق و محبت و نیاز به احترام و بالارزش بودن در دانش آموزان موجب می شد که نوجوانان از بحران فاصله بگیرند این نتیجه با فعالیت های (گلاس در مدرسه دخترانه و ننتوری ، 1968) یافته های رضوانی نژاد (1376) همخوان بود و می توان نتیجه گرفت که نوجوانان از قابلیت انتخاب یا دوباره شکل دادن هویت خود برخوردار رند و می توانند خود را بهبود بخشند و تجارب موفق و هویت مناسبی را از طریق رفتار مسئولانه در زندگی و مواجهه با مشکلات به دست آورند زیرا صرف نظر از تعداد شکست هایی که فرد در گذشته داشته و صرف نظر از سابقه زندگی ، شخص نمی تواند به موفقیت دست یابد مگر اینکه ابتدا به طریقی موفقیت را دریکی از بخشه ای مهم زندگی تجربه کند با اولین کسب موفقیت به عنوان سنگ زیر بنا عوامل منفی و آسیب رسان و بازدارنده کمرنگ می شود و برای موفقیت نیز شانس فوق العاده ای پیدا می کند .

رابطه بین تحصیلات پدر و مادر و بحران هویت معنادار نبود این نتیجه قابل توجه و بررسی است زیرا تحصیلات والدین به طور مستقیم و از بسیاری جهات با غنی کردن محیط خانوادگی و در زمینه هایی مانند انجام تکالیف ، رشد فعالیت های ذهنی و فکری و فشار آوردن بیشتر برای موفقیت تحصیل کمک می کند تأثیر غیرمستقیم تحصیلات والدین نیز بسیار چشمگیر است و به عبارتی سطح تحصیلات بر سبک زندگی تأثیر می گذارد که شامل تعامل والدین با فرزندان ، شیوه سخن گفتن و نوع ارزش های حاکم بر خانواده می شود ، هیچ شکی نیست که رابطه محکم و قوی با والدین نوجوان را برای تطابق با مشکلات دوران نوجوانی و سازگاری با مشکلات آماده می کند حمایت عاطفی والدین مقاومت نوجوان را در مقابل استرس های دوران نوجوانی افزایش داده و او را برای تصمیم گیری مناسب مهیا می سازد .

هرچه طبقه اقتصادی پایین تر باشد میزان بحران هویت افزایش می یابد و برعکس در توجیه این رابطه می توان گفت : والدین طبقات بالای اقتصادی به نیازهای فرزندان خود پاسخ می دهند و با فراهم آوردن امکانات مناسب انگیزه کشف و کنجکاوی را در کودک ایجاد و به رشد شناختی کودک بیشتر کمک می کنند هربرت هایمن 1 جامعه شناس آمریکایی از تحقیقات خود چنین نتیجه می گیرد فردی که به طبقه پایین اجتماع تعلق دارد ، موقعیت چندانی طلب نمی کند زیرا می داند که اگر خواستار موقعیت باشد و نمی تواند به آن دست یابد و در جستجوی کمک به دست یابی موفق نیست (تقدسیان ، 1376)

اما در طبقات پایین اقتصادی بی پولی یا کم پولی خانواده در نتیجه توجه کمتر مراقبت بهداشتی کم است یا وجود ندارد ، تغذیه ناکافی ، سطوح تحصیلات پایین والدین ، تحریک هوشی کمتر در خانواده ، ارزش کم قائل شدن برای تحصیل ، تصورات قالبی تر

در مورد نقش جنسی، منابع آموزشی فقیرتر، فرصت‌های کمتر برای فعالیت‌های بیرون از خانه و مدرسه و علاقه شغلی کمتر والدین زمینه نابسامانی‌های خانوادگی و فشارهای روحی باعث ناسازگاری نوجوانان شده و در نهایت به بحران هویت منجر می‌شود، باوجود تمایل و نیاز شدید نوجوان به استقلال، وضعیت بد اقتصادی و عدم یافتن شغل مناسب بیش از هر عامل خارجی دیگر فشار و آسیب روانی را بر نوجوان وارد ساخته و او را از احساس باارزش بودن و احساس مسئول بودن باز می‌دارد. با افزایش تعداد اعضاء خانواده میانگین بحران هویت نیز افزایش یافته است ولی تفاوت معنی‌داری ایجاد نکرده است. این نتیجه قابل توجه است زیرا در خانواده‌های پرجمعیت عموماً شرایط زیر حاکم است

- در خانواده‌های شلوغ معمولاً مشکلات اقتصادی، مالی بیشتری به چشم می‌خورد.

- عدم نظارت والدین بر فرزندان مثلاً کمتر می‌پرسند که کجا می‌رود، چه موقع برمی‌گردد و نمی‌دانند اوقاتش را در کجا می‌گذرانند و این زمینه را برای بسیاری از مشکلات آماده می‌کند و به خاطر این فرزندان با مشکلات اخلاقی و تحصیلی بیشتر روبرو هستند.

- به دلیل توزیع محبت والدین و یا توجه بیشتر به یک فرزند معمولاً احساس کمبود محبت و تبعیض در این خانواده‌ها به چشم می‌خورد و این زمینه‌ساز بسیاری از بحران‌ها از جمله بحران هویت است.

- والدین به دلیل ناتوانی در جلب حمایت فرزندان ناکام هستند.

- تنظیم مسئولیت‌ها بر مبنای توجه به توانایی‌ها و تمایلات فرزندان نیست

- حس انتقاد از خود در فرزندان این خانواده‌ها بیشتر به چشم می‌خورد.

- فرزندان از توجه عادلانه در روابط متقابل والدین برخوردار نیستند.

- فرصت رسیدگی کمتر به فرزندان وجود دارد و نوجوانانی که با مشکلات شخصی، اجتماعی روبرو هستند با فقدان راهنمایی و محبت والدین نیز مواجه شده و درگیری بیشتری با افراد خانواده خواهد داشت.

این عوامل همه می‌تواند موانع مهمی در رشد هویت فرد باشد. این مطلب با تحقیق دانشور (1375) همسو است که با افزایش تعداد افراد خانواده بحران هویت نیز افزایش می‌یابد.

محدودیت‌ها:

- ۱- این تحقیق با دانش‌آموزان شهر نمین انجام شده است و برای تعمیم آن به دیگر مناطق باید به شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی آنان توجه نمود.
- ۲- برای انجام کلاس‌های آموزشی وقت دانش‌آموزان بسیار محدود بود.

پیشنهادات:

پیشنهادات کاربردی:

- ۱- آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری هویت اسلامی دانش‌آموزان را کاهش داده است پیشنهاد می‌شود که از این شیوه در مراکز مشاوره دبیرستان‌ها و سایر مؤسسات استفاده شود.

پیشنهادات پژوهشی:

- ۱- تحقیقاتی پیرامون رابطه مسئولیت با عزت‌نفس، اعتیاد به مواد مخدر، عملکرد تحصیلی و بزهکاری انجام شود.
- ۲- تحقیقات مشابه دیگری در بقیه دوره‌های تحصیلی و دانشگاهی نیز صورت پذیرد.

منابع فارسی:

- هیلگارد، ۱۳۷۱، زمینه روانشناسی . ترجمه م . ن براهنی و همکاران . جلد اول . تهران : رشد
- احمدی ،ا، ۱۳۷۸، روانشناسی نوجوانان و جوانان . چاپ هفتم . تهران : انتشارات نخستین و مشعل .
- احمدی ،ا، و رضوانی نژاد،م، ۱۳۷۶، تأثیر آموزش گروهی به روش واقعیت درمانی بر بحران هویت دانشجویان . تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره . جلد اول
- آقا سلطانی 1378، بررسی رابطه بین هویت و خلاقیت در دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه اصفهان .
- امیدیان ، مرتضی و شکر کن ، حسین ۱۳۸۱، بررسی حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط 1380 بین فردی این ابعاد در دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی 1381 ، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد ، جلد چهارم ، ش دوم ص 335
- تافلز، ۱۳۷۴، شوک آینده . ترجمه ح . کامرانی . تهران : سیمرغ .
- ثنائی ۱۳۷۷، روان‌درمانی و مشاوره گروهی . تهران چهر .
- حواله کیا، س، 1384 افزایش حس مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس در نوجوانان . فرهنگ همدان شماره 36 و 37
- دانشور ، ا، 1375 ، هویت و عوامل مؤثر بر آن در دانش‌آموزان شهر شیراز پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی . دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان .
- راجرز ، ۱۳۷۶ ، هنر انسان شدن . ترجمه م . میلانی . تهران : فاخته
- رئیزی ، ف، ۱۳۷۶ ، بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دخت ر مقطع متوسطه نواحی 3 و 4 شهر اصفهان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت‌معلم .
- رضانی ، ع . ۱۳۸۰، بررسی اثر مشاوره گروهی با رویکرد گلاسر بر بحران هویت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان . پایان‌نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه اصفهان .
- ساعتچی ، م ۱۳۷۷، مشاوره و روان‌درمانی . تهران : تویرایش .
- ستیر ، و . آدم سازی ۱۳۷۳، ترجمه ب . بیرشک . تهران : رشد .
- شاملو ، س . ۱۳۷۲، بهداشت روانی . تهران : رشد .
- شولتز ، د . ۱۳۷۸، روانشناسی کمال ترجمه گ . خوشدل . تهران : البرز .
- شفیع‌آبادی ، ع ۱۳۸۵، فنون تربیت کودک . تهران : چهر .
- شفیع‌آبادی ، ع و ناصری ، ع ۱۳۸۲، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی تهران : مرکز نشر دانشگاهی .
- عصاره ، ع ۱۳۸۰، نوجوانان و جوانان ایرانی بیم‌ها و امیدها . پیوند، 263، 262، 261، 270
- عطائی ، م ۱۳۸۵، مرکز فرهنگ و معارف قرآن
- غضنفری ، ۱۳۸۶، به نقل از مجله مشاور مدرسه شماره 12 آذرماه 86
- کلمز ، ح . و بین‌ر، ۱۳۷۴، آموزش مسئولیت به کودکان . ترجمه پ . علی پور . مشهد : استان قدس رضوی .
- کدیور، س ۱۳۸۰، روانشناسی رشد 1 ، انتشارات سمت .
- گیبسون و میشل ۱۳۷۷، مبانی مشاوره و راهنمایی، ترجمه باقر ثنایی و همکاران ، تهران : انتشارات بعثت .
- ماسن، پ . کیگان، ج، هوستون ، ا . و کانجر، ج ۱۳۷۰، ج رشد و شخصیت کودک . ترجمه م . یاسایی . کرج پایا .
- محمدی، ع 1376، بررسی نقش واگذاری مسئولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار پایه دوم و سوم مقطع راهنمایی پسرانه تهران . دانشگاه علامه طباطبایی .
- موسوی ، م ۱۳۷۷، اثر مشاوره فردی با رویکرد واقعیت درمانی بر بحران هویت در دختران 15 ساله سال سوم متوسطه ناحیه یک کرج پایان‌نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه تربیت‌معلم تهران - نوجوان 18
- مریدی ، م . و تقی زادگان ، ۱۳۸۵، بررسی بحران هویت در بین دانش‌آموزان نمونه مردمی دانش‌آموزان شهر لار . پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
- مستوفی ، ف ۱۳۸۶، راهکار جدید افزایش حس مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان و (پیامدهای آن . 50-56 ، 30- هومن ، ح . مسئولیت مادران و پدران در قبال فرزندان . پیوند 1،



منابع انگلیسی :

- Adams , G.R.Montemayor.R(1989).Biology of adolescent behavior and development. Newyork : publication , Inc.
- Barrett , R.P. (2000).chores help teach social , personal responsibility . the Brown university child and Adolescen Behavior letter www. Findarticles . com.
- Corey , G.(1995) . Group counseling (4 th ed) . pacific Grove , CA: Brooks/ Cole publishing co.
- Corey , G .(2004) . Theory and practice of group counseling (6 th ed) . pacific Grove, CA: Brooks/cole.
- Corey , G .(2005) . case approach to counseling and psychotherapy(6 th ed) . Belmont , CA: Brooks/cole.
- Dobson , J . (1970) . Dare to Discipline. Illinois : tyndale house publishers.
- Desrochers,S . (2002).identity theory , A Sloan work and family Encyclopedia Entry, boston college, (www. Wfnetwork. bc. edu).
- Die identitätsfalle. Warum es keinin krieg der kulturen gibt.von amartya sen.Aus. dem englishchen von friedrich Griese.verlag C.H.beck,munchen.2007.
- Elke, T. (1999) . the cruelty of children. (every body should children preper Behavior behavior) . American Humanist Association. .
- Erikson, E.(1959) . Identity and the life cyle . Newyork : International. Universities press, Inc .

Archive of SID